

**چالش های فرا روی امنیت ملی در پرتو اعمال دکترین مسئولیت حمایت  
(با تاکید بر تکوین گروههای تکفیری در عراق)**

نویسندگان	وابستگی سازمانی
فاطمه احدی *	دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران
رسول فرودفر	دانش آموخته کارشناسی ارشد، گروه حقوق بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران
اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله	«مسئولیت حمایت»، در واقع پذیرش تعهد و وظیفه حمایت از انسان ها در برابر ۴
صفحه	جرم نسل کشی، جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت و پاکسازی قومی در سه بعد
دوره ۱، شماره ۱	«پیشگیری»، «واکنش» و «بازسازی» است. مداخله نظامی در قالب دکترین
اطلاعات نویسنده مسئول	مسئولیت حمایت در عراق باعث سقوط نظام حاکم و به تبع آن از بین رفتن زیر
نویسنده مسئول	ساختهای نظامی، انتظامی، امنیتی و اطلاعاتی آن کشور شد. بنابراین حاکمیت ملی
کد ارکید	و امنیت ملی آن کشور دچار اضمحلال شدند. هدف این مقاله آسیب شناسی
تلفن	دکترین مسئولیت در خصوص ظهور و پیدایش گروههای سلفی تکفیری در عراق
ایمیل	می باشد. اساس کار، مطالعه بر روی ظهور و قدرت گیری گروههای سلفی تکفیری
	در عراق می باشد. میزان موفقیت این مقاله با استناد به نتایج به دست آمده مثبت
سابقه مقاله	بوده و بر اساس آن مشاهده شد که دکترین مسئولیت در صورتیکه موفق به از بین
تاریخ دریافت	بردن نظام ظالم شود، امنیت ملی و حاکمیت ملی کشوری که مورد تهاجم قرار
تاریخ ویرایش	گرفته را بر هم می ریزد، سالها طول می کشد که آن کشور خود را بازسازی کرده
تاریخ پذیرش	و به توان امنیتی کافی برسد. در پی خلاء امنیتی در عراق، تولد و رشد گروههای
تاریخ انتشار	تکفیری و سایر گروههای نژادی و مذهبی، در پی اعمال دکترین مسئولیت حمایت
روش پژوهش	و حمله نظامی آمریکا به عراق مشاهده می شود. این آسیب در این مقاله بصورت
	تخصصی مورد کنکاش قرار گرفته است.
واژگان کلیدی	دکترین مسئولیت حمایت، گروههای تکفیری، امنیت ملی
توضیحات	
کلیه حقوق این مقاله متعلق به نویسندگان می باشد.	
خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد و تغییر جزئی را با ذکر منبع آن دارند.	
نحوه استناد	احدی، فاطمه؛ فرودفر، رسول (۱۴۰۳)، چالش های فرا روی امنیت ملی در پرتو اعمال دکترین مسئولیت حمایت (با تاکید بر
دهی	تکوین گروههای تکفیری در عراق)، فصلنامه علمی پژوهش های نوین در جرم شناسی، دوره ۱، شماره ۱، صفحات ۵۵ - ۶۶

**Challenges Facing National Security in the Light of the Application of the Doctrine of Responsibility for Protection (With Emphasis on the Formation of Takfiri Groups in Iraq)**

Authors		Organizational Affiliation
<b>Fatemeh Ahadi*</b>		Associate Professor, Department of Criminal Law & Criminology, Islamic Azad University, Maragheh, Iran
<b>Rasool Farnoodfar</b>		Master's Student, Department of International Law, Islamic Azad University, Maragheh, Iran
Article Information		Abstract
<b>Article Type</b>	Research	The "responsibility of protection" is actually accepting the obligation and duty to protect people against the 4 crimes of genocide, war crimes, crimes against humanity and ethnic cleansing in three dimensions: "prevention", "reaction" and "reconstruction". Military intervention in the form of the doctrine of the responsibility of protection in Iraq caused the downfall of the ruling system and, as a result, the destruction of the military, law enforcement, security and intelligence infrastructures of that country. Therefore, the national sovereignty and national security of that country collapsed. The purpose of this article is the pathology of the doctrine of responsibility regarding the emergence of Takfiri Salafi groups in Iraq. The basis of the work is the study of the emergence and strengthening of Takfiri Salafi groups in Iraq. The success rate of this article is positive based on the obtained results, and based on it, it was observed that the doctrine of responsibility, if it succeeds in destroying the oppressive system, will disrupt the national security and national sovereignty of the country that was invaded. It will take years for that country to rebuild itself and reach sufficient security capacity. Following the security vacuum in Iraq, the birth and growth of takfiri groups and other racial and religious groups can be seen following the application of the doctrine of responsibility for support and the US military attack on Iraq. This damage has been specially explored in this article.
<b>Pages</b>	55 - 66	
<b>Volume 1, Issue 1</b>		
Corresponding Author's Info		
<b>Corresponding Author's</b>	Fatemeh Ahadi*	
<b>ORCID</b>	0000-0000-0000-0000	
<b>Tell</b>	09143181349	
<b>Email</b>	fatemeh.ahadi1394@gmail.com	
Article History		
<b>Received</b>	2024/07/31	
<b>Revised</b>	2024/09/05	
<b>Accepted</b>	2024/09/15	
<b>Published</b>	2024/09/22	
<b>Online:</b>		
<b>Research Method</b>	Descriptive Analytical	
Keywords		<i>Doctrine of Responsibility for Protection, Takfiri Groups, National Security</i>
Description		
<i>All rights to this article belong to the authors.</i>		
<i>Readers of this magazine are permitted to distribute, recombine, and modify the material with due acknowledgement of the source.</i>		
<b>How to Cite This Article</b>	Ahadi, Fatemeh; Farnoodfar, Rasool (1403), Challenges Facing National Security in the Light of the Application of the Doctrine of Responsibility for Protection (With Emphasis on the Formation of Takfiri Groups in Iraq), Scientific Quarterly of Modern Researches in Criminology, Volume 1, Number 1, Pages 55 - 66	

## ۱- مقدمه

انسان با علم خلق شد و ذات مقدس باریتعالی بر این مخلوق و صنعت خویش در آیه ۱۴ سوره مومنون اینگونه فرمود: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ»<sup>۱</sup>. انسان عاقل و مدبر و انسان اندیشمند متصل به روحی که خالق بر روی وی دمیده بود بر زمین حکومت کرد و وظیفه اصلی خویش یعنی عبادت و ذکر خداوند متعال را در همه حال به جا آورد. خداوند در آیه ۴۴ سوره اسراء فرموده اند: «تَسْبِحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْبِحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا»<sup>۲</sup>. تعقل و تولید علم را باید بزرگترین عبادت خداوند متعال دانست. خدایی که در بدو نزول قرآن بر پیامبرش دستور داد بخواند. از محمد (ع) خواست بخواند و او خواند. به نام خداوندی که انسان را از خون بسته آفرید. خداوند آفرید و انسان هم هنرمند شد. این مخلوق صنعتگر اندیشید و پله‌های ترقی را طی و علوم انسانی را دریافت و تبیین کرد. هنری که امروزه شتاب بسیاری به خود گرفته تا بلکه ذره‌ای علم خالق را کسب کند. بی تردید «حق» یکی از مهمترین اجزای مقوم «اخلاق»، «حقوق» و «سیاست» در دنیای مدرن است. علم بشر و هم آمیختگی این عناصر ذکر شده در بالا دست به دست هم دادند و قاعده جدید «دکترین مسئولیت حمایت» را برای حمایت از مظلومان و ستم دیدگان پدید آوردند. دکترین مسئولیت حمایت با معنای مدرن و بازتعریفی کاملتر از مداخله بشردوستانه امروزه بعنوان یک رویداد امیدوارکننده در دفاع از مردم بی پناه شکل گرفته است که در کنار محاسن دارای آسیب‌هایی است که در این مقاله سعی شده به یکی از مهمترین آسیب‌های آن یعنی ظهور و تولد گروه‌های سلفی تکفیری در کشور عراق که با استفاده از دکترین مسئولیت حمایت و با حمایت سازمان ملل مورد تهاجم نظامی قرار گرفت بررسی گردد.

## ۲- مفهوم شناسی

اقتضای ورود به هر بحثی، آشنایی با الفاظ و اصطلاحات آن بحث است؛ چه را که برای فهم دقیق تر هر علمی، لازم است تا با واژه‌ها و اصطلاحات آن علم آشنا شد. در صورت عدم آشنایی با معانی و مفاهیم دقیق و صحیح اصطلاحات، تبیین مباحث با مشکل مغالطه مواجه خواهد شد، برای جلوگیری از این آسیبها، ضرورت ایجاد میکند معنای واژگان و اصطلاحات مهم بکار رفته در پژوهش روشن شود تا نتیجه گیری مشخص از مباحث امکان پذیر باشد. بر همین اساس در این قسمت از پژوهش به جهت آشنایی مخاطبین به بررسی متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش خواهیم پرداخت.

## ۲-۱- مسئولیت حمایت

مسئولیت حمایت اشاره به «اصل مسئولیت حمایت»<sup>۳</sup> داشته و بر اساس آن، حکومت نه یک امتیاز، بلکه یک «مسئولیت» است که رهبران نسبت به آحاد مردم باید دارا باشند. این اصل با سه بعد پیشگیری، واکنش و بازسازی، به عنوان راه حلی در پاسخ به ضعف و کاستی نظام بین‌المللی در رویارویی با نقض عمده حقوق بنیادین بشری، از اواخر دهه نود میلادی وارد ادبیات حقوقی شده است.

<sup>۱</sup> آفرین بر (قدرت کامل) خدای که بهترین آفرینندگان است.

<sup>۲</sup> هفت آسمان و زمین و هر که در آنهاست همه به ستایش و تنزیه خدا مشغولند و موجودی نیست در عالم جز آنکه ذکرش تسبیح و ستایش حضرت اوست و لیکن شما تسبیح آنها را فهم نمی‌کنید. همانا او بسیار بردبار و آمرزنده است.

<sup>۳</sup> The Responsibility to Protect

هر حکومتی وظیفه دارد که از مردم خود علیه کشتار دست جمعی<sup>۱</sup>، جنایت جنگی<sup>۲</sup>، پاکسازی نژادی<sup>۳</sup> یا قومی و جنایت علیه بشریت<sup>۴</sup> حمایت کند. (محمدی و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۲) این مسئولیت مستلزم پیشگیری از این گونه جنایات از طریق ابزارهای مناسب و ضروری است. بر این اساس یک حکومت نباید علیه مردم خودش به جنگ و کشتار دست بزند و این ستم را با «حق حاکمیت»<sup>۵</sup> و اصولی چون «عدم دخالت» و «برابری دولت‌ها» توجیه کند. اگر حکومتی از زیر بار این مسولیت شانه خالی کند و علیه مردم خودش به داغ و درفش متوسل شود و جنگ و کشتار دست جمعی راه بیندازد، جامعه بین‌الملل حق دخالت در آن کشور را دارد. (نژندی منش و همکاران، ۱۴۰۳: ۲۷۰) گزارش هزاره کوفی عنان در سال ۲۰۰۰ به مجمع عمومی جرعه آغاز بحث «مسئولیت به حمایت» بود. دولت کانادا در پاسخ به دبیر کل، کمیسیون بین‌المللی در خصوص مداخله و حاکمیت کشورها را در سال ۲۰۰۰ تشکیل داد. دستاورد این کمیسیون چیزی بود که در طی سالیان بعد به عنوان مسئولیت به حمایت در جامعه بین‌المللی مورد پذیرش قرار گرفت. در این گزارش، مفهومی جدید از حاکمیت<sup>۶</sup> ارائه شد، حاکمیت از معنای کنترل در مفهوم سنتی خود، که مفهومی غیر قابل تعرض بود، به حاکمیت در معنای مسئولیت تغییر پیدا کرد. مسئولیتی که در در وهله اول بر عهده کشور مربوطه و در صورت ناتوانی و یا عدم علاقه آن کشور در حفظ و حقوق بنیادین اتباعش، در مرحله دوم به جامعه بین‌المللی واگذار می‌شود. (شاملو و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۱) این مسئولیت درجه دوم، طیفی از تعهدات را به دنبال خود دارد: مسئولیت به پیشگیری، واکنش و بازسازی. در نتیجه این گزارش رویکرد جامعه بین‌المللی به مفهوم مداخله بشردوستانه نیز تغییر کرد. برخلاف مداخله بشردوستانه که صرفاً جنبه نظامی داشت، مسئولیت به حمایت اقدامات پیشگیرانه، سیاسی، دیپلماتیک، اقتصادی، آموزشی و بازسازی را نیز به این اصطلاح افزوده و مداخله نظامی را صرفاً به عنوان آخرین ابزار در نظر گرفته است. سر انجام در سال ۲۰۰۵ در اجلاس سران، در پاراگراف ۱۳۸ و ۱۳۹ دولت‌ها در ۳ محور با این مسئولیت موافقت کردند:

- مسئولیت حمایتی دولت‌ها در حمایت از اتباع خود در برابر ژنوسید، پاکسازی قومی، جرایم علیه بشریت و جرایم جنگی
  - کمک‌های بین‌المللی در ظرفیت بخشی، یعنی کمک جامعه بین‌المللی به کشورها در اعمال این مسئولیت
  - پاسخ به موقع و قاطع جامعه بین‌المللی در مواردی که دولت مربوطه ناتوان از پاسخگویی به این وضعیت‌هاست.
- پیشگیری در محور اول و دوم بخش اصلی یک استراتژی موفق در زمینه مسئولیت به حمایت است. (عبداللهی و حسینی، ۱۴۰۲: ۱۳۸)

این ترتیبات در گزارش سال ۲۰۰۹ بان کی مون تحت عنوان «تحقق مسئولیت به حمایت» نیز آمده است. به موجب این اصل، کشورها در قبال وقوع ژنوسید (نسل‌کشی)، جرائم جنگی، پاکسازی قومی و جرائم علیه بشریت، در هر گوشه ای از جهان، مسئول حمایت از جان مردمان تحت ستم بوده و با کسب مجوز از سوی شورای امنیت، ابتدا به پیشگیری از علل ریشه ای و مستقیم بحران پرداخته و در صورت عدم کفایت این روش‌ها، با توسل به ابزارهای غیر نظامی و دیپلماتیک واکنش نشان خواهند داد. مداخله نظامی همواره به عنوان آخرین راه حل در نظر گرفته می‌شود. پس از بحران نیز جامعه بین‌المللی مسئول بازسازی ساختارهای در هم ریخته کشور بحران زده خواهد بود. مسئولیت حمایت که اکنون یک دهه از حیات آن می‌گذرد با ظرایف و ابعاد خود سهم مهمی در حفظ نظم و ثبات ملی و بین‌المللی و تحقق حقوق بنیادین، اخلاق و وجدان جمعی بشر در آینده خواهد داشت. (حبیبی و همکاران، ۱۴۰۲: ۴۵)

<sup>1</sup> WMD

<sup>2</sup> War Crimes

<sup>3</sup> Ethnic cleansing

<sup>4</sup> Crimes against humanity

<sup>5</sup> Sovereignty

<sup>6</sup> Authority

## ۲-۲- گروه های سلفی تکفیری

سلفی‌گری در معنای لغوی به معنی تقلید از گذشتگان، کهنه پرستی یا تقلید کورکورانه از مردگان است، اما «سلفیه» در معنای اصطلاحی آن، نام فرقه‌ای است که تمسک به دین اسلام جسته، خود را پیرو سلف صالح می‌دانند و در اعمال، رفتار و اعتقادات خود سعی بر تابعیت از پیامبر اسلام (ص)، صحابه و تابعین دارند. آنان معتقدند که عقاید اسلامی باید به همان نحو بیان شوند که در عصر صحابه و تابعین مطرح بوده است، یعنی عقاید اسلامی را باید از کتاب و سنت فراگرفت و علما نباید به طرح ادله‌ای غیر از آنچه قرآن در اختیار می‌گذارد، بپردازند. (اسماعیل زاده و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۵۱) در اندیشه سلفیون، اسلوب‌های عقلی و منطقی جایگاهی ندارد و تنها نصوص قرآن، احادیث و نیز ادله مفهوم از نص قرآن برای آنان ارجحیت دارد. در حال حاضر یکی از عوامل مهم فتنه‌گری در منطقه جریان سلفی تکفیری است که در لباس دفاع از سنت، عملاً در مسیر منافع غربیان گام برمی‌دارد. تا قبل از بهار عربی در منطقه مردمی که اخبار رسانه‌ها را مرور می‌کردند کمتر اسمی از سلفی و سلفیان میشنیدند، در بهبوه بهار عربی بود که مردم کوچه و بازار کم‌کم با اسم سلفیان آشنا شدند و جنایت‌هایی که هر روز رسانه‌ها از کشورهای عربی منطقه گزارش می‌دادند را رصد می‌کردند که جولانگاه مهم آنها سوریه و عراق و مصر بود. (علیزاده موسوی، ۱۳۹۴: ۱۶) در پی اعلام این خبر سازمان دیده بان حقوق بشر این صحنه را جنایت جنگی تمام عیار توصیف کرد، سلفیان سوریه که قبل از این جنایت به مزار شریف حجر بن عدی هتک حرمت کرده بودند این بار خود را با جنایتی وحشیانه تر به جهانیان نشان دادند در پی اقدام شرم آور سلفی‌ها بر آن شدیم در مطلب زیر به بررسی ظهور این فرقه بپردازیم که از نظر می‌گذارید. سلفی‌ها روایات خود را مستقیماً از احمد بن حنبل (متولد ۲۴۱)، احمد بن تیمیه (متولد ۷۲۸)، ابن القیم الجوزیه (متولد ۷۵۱) و محمد بن عبدالوهاب تمیمی نجدی (متولد ۱۱۱۵-۱۲۰۶) می‌گیرند. سلفیه بعد از محمد بن عبدالوهاب به صورت یک شکل و ساختار سیاسی درآمد و هم‌پیمانی وی با محمد بن سعود پایه گذار حاکمیت آل سعود در عربستان به این روند تسریع بخشید. پیوند میان علما و حاکمان سعودی گرچه دچار تغییر و تحول شده است و شیوخ وهابی از برخی اختیارات خود از جمله بازداشت و امر قضا بازماندند اما در عین حال هنوز هم از وضعیت و جایگاه خوبی در نظام سیاسی سعودی برخوردار هستند. (علیزاده موسوی، ۱۳۹۳: ۱۲۹) علاوه بر سرزمین حجاز، مصر نیز از تغییر و تحولات عقیدتی برکنار نماند و سلفی‌های این کشور با اقدامات و فعالیت‌های حسن‌البناء و جنبش اخوان المسلمین، سیر جدیدی در آموزه‌های عقیدتی اهل سنت تجربه کردند و باب‌های جدیدی برای این گروه جهت گشودن روزه‌های محدود اجتهاد باز شد. اما با مرگ زود هنگام حسن‌البناء جنبش اخوان المسلمین تحت تأثیر اندیشه‌های دو شخصیت، به نام‌های ابوالاعلی مودودی و سید قطب قرار گرفت و آنها ضمن تثبیت روش پای بندی به متون دینی بر اساس دیدگاه‌های خاص فقهی خود، دیدگاه تکفیر را پی‌ریزی کردند. سید قطب که تحت تأثیر اندیشه‌های ابن قیم جوزی در خصوص رفتار با اهل کتاب بود این اعتقاد را داشت که اهل کتاب تا زمانی که جزیه پرداخت می‌کنند می‌توانند در سرزمین‌های اسلامی با آرامش زندگی کنند در غیر این صورت مسلمانان باید با آنان به جهاد بپردازند. حمایت عربستان و کشورهای حاشیه‌ای خلیج فارس هماهنگی فراوانی میان سلفیون سنتی و جنبش اخوان المسلمین ایجاد کرد. از سویی دیگر دیدگاه ضد سوسیالیسم سلفیون جدید به خصوص در جریان جنگ‌های نیروهای جهاد افغانستان با شوروی مورد توجه شیوخ وهابی عربستان قرار گرفت. (ستوده و علیزاده موسوی، ۱۳۹۳: ۹۸)

## ۳- ظهور گروه‌های سلفی و تکفیری در عراق

در پی مداخله نظامی آمریکا در عراق در قالب مسئولیت حمایت و بواسطه فقدان حاکمیت فراگیر حکومتی و نظامی در عراق و در سایه عدم تشکیل دستگاه‌های امنیتی و نظامی کلاسیک قوی، بخش‌هایی از این کشور، مخصوصاً نقاط قبیله‌ای، بعثی و سنی نشین به محل تجمع و سازماندهی گروه‌های تکفیری سلفی تروریستی تبدیل شد که زمینه ظهور و قدرت‌گیری این سازمان‌های تروریستی را فراهم آورد. (حاجی یوسفی و حسین زاده، ۱۳۹۷: ۲۷) در حال حاضر یک دولت شیعی در راس امور اجرایی عراق قرار دارد اما حضور عناصر شیعی منافع برخی از سران منطقه، بعثی‌ها و گروه‌های تندروی سنی مذهب این کشور را به مخاطره انداخته است.

با توجه به وجود خاطره هشت سال دفاع ایران از مرزهای خود و حمایت همه جانبه سران عرب منطقه از صدام حسین در جنگ تحمیلی، تصویری از دیکتاتور بعثی به عنوان سرداری مدافع عربیت و مذهب اهل سنت در برابر خطر عجم های شیعی مسلک در باور سنیان عراق و سایر کشورهای منطقه چنان نفوذ کرده بود که تصور می کردند حضور ایرانیان در عراق و برقراری پیوند مستحکم میان شیعیان منطقه، حیات سیاسی عرب و نفوذ مذهب اهل سنت را به خطر خواهد افکند. گذشته از این، چون حوادث پیش آمده باعث تضعیف حزب بعث شده بود برای رهایی از این تنگنا، اتحادی استراتژیک میان سنیان ناراضی و عناصر حزب بعث شکل گرفت. از بعد مذهبی نیز القاعده امکان بیشتری را برای جولان دادن در مناطق سنی نشین یافت. (احمدی، ۱۳۸۴: ۵۱) از این پس، روند خشونت در عراق شتاب بیشتری به خود گرفت و تکفیری ها در این کشور عرصه را برای اقدامات خود مناسب دیدند. گرچه وقوع جنگ مذهبی در خاورمیانه تاژگی ندارد اما افزایش چنین نزاع هایی در پاکستان و عراق به یک نگرانی عمده تبدیل شده است و متأسفانه نشست های مشترک شیعه و سنی که آخرین آن کنفرانس مکه در مهره ماه ۸۵ بود نتیجه ای قابل ملاحظه دربر نداشته است. یکی از عوامل مهم درگیری های خونین منطقه، بحث تکفیر شیعیان و مطرح کردن آن از سوی علما و روحانیون افراطی وهابی و سلفی است که باعث قربانی شدن بسیاری از شیعیان بی گناه در منطقه شده است. (پور سعید، ۱۳۹۰: ۲۱) جالب اینجاست که به جای برخورد مناسب و معقولانه با این پدیده و اعلام برائت از اقدامات خشن و سرکوبگرانه، در آذر ماه ۱۳۸۵ سی و هشت نفر از علمای سلفی عربستان سعودی در بیانیه ای ضمن ابراز تأسف از سقوط بغداد آن را توطئه مشکوک صلیبیون، روافض و صفویان دانستند و هدف از آن را حفاظت و حمایت از اشغالگران و تحدید نفوذ اهل سنت در منطقه و ایجاد هلال شیعه و تجزیه عراق به سه منطقه کردی، شیعی و سنی خواندند. کاملاً مشخص بود که در این نوع تقسیم بندی روافض یعنی شیعیان، صفویان همان ایرانیان و اشغال گران نیز سربازان صلیبی هستند. یکی از بهانه های مهم علمای اهل سنت برای بکارگیری حربه تکفیر علیه شیعیان بحث غلو در مورد ائمه اطهار است. (حق پناه، ۱۳۸۷: ۶۳) توهین به صحابه و همسران پیامبر، عدم دخالت اهل سنت در مناصب سیاسی، ممانعت از احداث و تاسیس مسجد در برخی از مراکز شهری مدعیات سنیان در مورد حکومت شیعی ایران است. غربی ها نیز این اختلافات را از نظر دور نگه نداشته و ضمن ایجاد شرایط برای اختلاف انگیزی میان شیعه و سنی ترس موهم از اسلام را نیز مطرح کردند. (حیدری، ۱۳۹۳: ۲۳) سازمان ها و جنبش های متعددی که حول محور القاعده در عراق فعالیت می کنند، عبارتند از:

### ۳-۱- داعش

داعش در ماه آوریل سال ۲۰۱۳ میلادی تشکیل شد. داعش ابتدا این گونه معرفی شد که از ادغام بین «دولت اسلامی» وابسته به شبکه القاعده که اکتبر سال ۲۰۰۶ میلادی به وجود آمد و گروه تکفیری مسلح در سوریه معروف به «جبهه النصره» تشکیل شده است اما این ادغام را که ابو بکر بغدادی یکی از رهبران «دولت اسلامی عراق» اعلام کرد به سرعت از سوی جبهه النصره تکذیب شد. پس از گذشت دو ماه از این قضیه ایمن الظواهری رهبر شبکه القاعده دستور داد این ادغام ملغی شود اما بغدادی این روند را ادامه داد تا اینکه دولت اسلامی عراق و شام (داعش) به یکی از گروههای تروریستی اصلی تبدیل شد که در سوریه و عراق آدمکشی و ویرانگری می کند. داعش حروف اختصاری «دولت اسلامی عراق و شام» است اما در مناطق تحت کنترل داعش در سوریه از نام «دولت» برای داعش استفاده می شود و هرکس از کلمه داعش استفاده کند هفتاد و پنج ضربه شلاق مجازات اوست. (خسروی، ۱۳۹۰: ۶۵) داعش یک گروه مسلح تروریستی است که اندیشه سلفی جهادی (تکفیری) را پیشه خود کرده است و هدف سازمان دهندگان داعش نیز بازگرداندن چیزی است که آنان آن را «خلافت اسلامی و اجرای شریعت» می نامند و عراق و سوریه نیز جولانگاه

عملیات داعش است. داعش از زمانی که در سوریه ظاهر شده درباره خاستگاه، اقدامات، اهداف و ارتباطاتش جنجالهای طولانی را به وجود آورده و باعث شده است به محوری از محورهای مطالب مطبوعات و رسانه ها و تحلیلهای و گزارشها تبدیل شود. هویت و اهداف این گروه بنیادگرا و ارتباطات آن به علت اطلاعات متناقض در خصوص آن گم شده است. گروهی معتقدند داعش یکی از شاخه های القاعده در سوریه است. گروه دیگری آن را یک سازمان مستقل می دانند که برای تشکیل دولت اسلامی در تلاش است و یک گروه سوم نیز معتقد است داعش ساخته و پرداخته نظام سوریه است تا مخالفان و گروههایش را نابود کند. (زرین نرگس، ۱۳۹۴: ۱۱)

### ۳-۲- گروههای سلفی تکفیری و جنگ مذهبی در منطقه خاورمیانه

در سالهای اخیر، جهان شاهد ظهور طالبانهای جدیدی بوده است که تکفیری خوانده می شوند و عملاً شکل گسترش یافته تر و افراطی تر همان بدنه اصلی طالبان افغانستان هستند. گروههای وهابی سلفی تکفیری کوچک و بزرگی که عمدتاً در جریان تهاجم آمریکا علیه حکومت صدام در عراق پدید آمدند و مشهورترین آنها با نام گروه داعش (دولت اسلامی عراق و شام) هم اکنون در عراق مشغول تدارک حملات خونین علیه مسلمانان این کشور است، همچون طالبان افغانستان داعیه تأسیس امارت و خلافت اسلامی در پهنه منطقه شام بزرگ و در آینده جهان اسلام را دارند و در مناطقی که این اواخر قدرت را در دست گرفتند، بسان طالبان افغانستان به اجرای قوانینی منحط تحت نام شریعت دست زدند که باز هم بسان طالبان حاصلی جز بدنام کردن اسلام و مسلمانان در سطح جهانی ندارد. (سلیمی و زرین نرگس، ۱۳۹۳: ۷۴) نکته جالب و قابل تأمل در زمان سر بر آوردن این نوظالبان سالهای اخیر، همزمانی ظهور آنها با تأسیس دهها شبکه ماهواره ای شیعه و سنی با پایگاهها و دفاتری در کشورهای غربی است که در کنار بازوی نظامی گروههای تکفیری، به ایجاد نفرت و دشمنی مذهبی و خصوصاً دشمنی میان شیعیان و اهل سنت مشغول اند و به صورت عملی جنگ فرهنگی و رسانه ای و مذهبی تمام عیاری را میان مسلمانان به راه انداختند. این همزمانی ظهور گروههای تکفیری که به قتل عام گاه بسیار فجیع مسلمانان اعم از شیعه و سنی می پردازند، با پیدایش دهها شبکه ماهواره ای ریز و درشت که به صورت شبانه روزی به گسترش نفرت مذهبی میان شیعیان و سنی ها دست می زنند، می تواند به صورتی آشکار منشاء واحد و مشترک ظهور مسلمان کشی های دهه ها و سال های اخیر یعنی جهان غرب را نمایان کند، جهان غربی که طی این سالها تقریباً تمامی توان نظامی، سیاسی، مالی، رسانه ای و اطلاعاتی خود را به شکلی علنی در اختیار این گروههای نظامی و فرهنگی تکفیری قرار داده است تا این گروهها با جذب حداکثری مسلمانان خسته از حکومت های فاسد و خودکامه وابسته و شرایط اقتصادی و اجتماعی بسیار نابسامان در غالب کشورهای اسلامی با نام «جهاد»، آنها را به قتل عام وسیع یکدیگر بکشانند، و این همان «راز» ظهور این گستره وسیع از گروههای نظامی و فرهنگی (ماهواره ای) سلفی تکفیری سنی و شیعی طی دهه های اخیر در جهان اسلام است. در حقیقت، جهان غرب با جذب حداکثری مسلمانان جهادی از طریق این گروهها و کشاندن آنان به میدان قتلگاه یکدیگر، در تدارک خوابی راحت برای آینده خود در خاورمیانه ای اسلامی اما بدون حضور مسلمانان جهادی است. (طالبی آرانی و زرین نرگس، ۱۳۹۵: ۸۵)

### ۴- چالش های فراروی امنیت ملی

چالش های امنیت ملی در پرتو دکترین مسئولیت حمایت و تکوین گروههای تکفیری در عراق موضوعی پیچیده و چند بعدی است که نیازمند بررسی عمیق تری از ابعاد مختلف آن می باشد. در این بخش از پژوهش به برخی چالش های مهم فراروی امنیت ملی می پردازیم:

#### ۴-۱- از بین رفتن تشکیلات نظامی و امنیتی عراق و تضعیف حاکمیت ملی

مداخله نظامی در عراق و فروپاشی بنیادهای امنیتی آن باعث پیدایش، تجمع و تسلیح گروههای مسلح تکفیری، تجزیه طلب و تروریستی می شود و این سازمانها عمدتاً توسط کشورهای منطقه و همسایه به دلایل مذهبی، اثنیکی و سایر موارد ایجاد می شود. در برخی موارد (مانند کوزوو) کار تا آنجا پیش می رود که منجر به تشکیل منطقه خودمختار، دولت های خود خوانده و موارد دیگر می شود. یکی از عوامل مهم فتنه گری در منطقه جریان سلفی تکفیری است. در لباس دین انسان می کشند، در لباس دفاع از سنت، عملاً در مسیر منافع دشمنان اسلام گام برمی دارند. حضور این افراد در محافل و جوامع و انتشار آثار و فرآورده های فرهنگی آن در برخی از مراکز که دولت مرکزی عراق قادر به کنترل آن نیست، باعث جلب توجه برخی از جوانان پرشور که از اقدامات سرکوبگرانه اشغالگران به ستوه آمده اند، شده است و برای رهایی از این فشار، زمینه را برای گرویدن به این جریان های افراطی مناسب دیده اند. (فوکویاما، ۱۳۹۶: ۵۵)

#### ۴-۲- شکل گیری گروه های تروریستی با دخالت سازمانهای اطلاعاتی کشورهای مهاجم

گرچه سابقه تشکیل و فعالیت گروه های تکفیری به چند دهه پیش باز می گردد اما از نکات قابل توجه همزمانی شکل گیری هسته اصلی تشکیل دهنده گروه داعش<sup>۱</sup> در پی اعمال دکترین مسئولیت حمایت و حمله نظامی در توسط نیروهای آمریکایی بود. گرچه از همان ابتدای شکل گیری این گروه تروریستی در عراق برخی از سرخ ها از ارتباط آنها با سازمان های اطلاعاتی آمریکا خبر می دادند اما هر بار به نحوی این تحقیقات که اکثراً توسط رسانه های عراقی انجام می گرفتند به شکلی به بن بست می رسیدند و حتی برخی از روزنامه نگاران پیگیر این مسئله در حوادث مختلفی جان خود را از دست می دادند تا به هر شکل ممکن از ادامه پیگیری های رسانه ای آن جلوگیری به عمل آید. (کسرابی و داوری مقدم، ۱۳۹۴: ۹۳) با این حال و با قدرت گرفتن هرچه بیشتر این گروه و تغییر نام به داعش و سپس خلافت اسلامی این احتمال و شک و تردید به حقیقتی غیر قابل انکار تبدیل شده است، حقیقتی که حتی سربریدن چند آمریکایی هم نمی تواند بر آن سرپوش بگذارد. یکی از مهمترین و آخرین این اطلاعات در کتاب هیلاری کلینتون<sup>۲</sup> وزیر امور خارجه سابق آمریکا منتشر شده است او که در دوره حضورش در وزارت امور خارجه آمریکا هسته اصلی گروه داعش متولد شدند در کتاب خاطراتش به وضوح تاکید می کند واشنگتن نقش عمده ای در تاسیس گروه داعش و فراهم کردن زمینه قدرت گرفتن آن ایفا کرده است. به اعتقاد کارشناسان هیچ طرفی در جهان بیشتر از آمریکا و البته به تبع آن رژیم صهیونیستی از حضور، فعالیت و قدرت گرفتن گروه داعش در خاورمیانه سود نمی برد. روزنامه مصری الاهرام<sup>۳</sup> در یکی از شماره های اوایل شهریور ماه خود به نقل از شیخ نعیم قاسم جانشین دبیر کل حزب الله لبنان نوشت: اطلاعات ما تاکید می کنند عناصر داعش توسط نیروهای آمریکایی در افغانستان تعلیم دیده و برای جنگ به سوریه و عراق اعزام شده اند و دقیقاً همان سناریوی القاعده و اسامه بن لادن<sup>۴</sup> (شخصیت عربستانی تباری که بیش از آنکه در کشور متبوعش عربستان زندگی کند در آمریکا زندگی کرده بود) در مورد داعش و سرکردگانش نیز تکرار می شود. پیش از این هم روزنامه انگلیسی تایمز<sup>۵</sup> در دسامبر ۲۰۱۳ نوشته بود نیروهای آمریکایی نقش محوری و اصلی را

<sup>۱</sup> قاعده الجهاد فی بلاد الرافدین

<sup>۲</sup> Hillary Rodham Clinton

<sup>۳</sup> Al-Ahram daily

<sup>۴</sup> Osama bin Mohammed bin Awad bin Laden

<sup>۵</sup> times newspaper

در شکل گیری داعش و اوج گرفتن نام ابو بکر البغدادی رهبر آن داشتند. (نصری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۹) انتونی لوید خبرنگار این روزنامه انگلیسی در بغداد در مقاله ای در این رابطه نوشت: نیروهای آمریکایی به شکل غیر مستقیم و از طریق بازداشت سه ماهه ابراهیم عوض علی البدری (هویت ابوبکر البغدادی از نگاه این خبرنگار انگلیسی) که یک کشاورز ۳۳ ساله عراقی بود در یکی از زندان های خود باعث فراهم شدن زمینه ترقی این فرد در هرم قدرت گروه های سلفی فعال در عراق شدند. با نگاهی به مقالاتی که طی چند ماه گذشته در رسانه های مختلف عراقی منتشر شده، نوعی اتفاق نظر در میان کارشناسان عراقی در مورد دست داشتن یا حداقل مداخلات دولت آمریکا با این گروه به دلیل منافع مشترک موجود فیما بین به چشم می خورد. به هر شکل آمریکایی ها از طریق گروه داعش و اشغال موصل و توابع آن به خواسته های سیاسی خود در عراق رسیدند. همچنین در صورت تشکیل کابینه حیدر العبادی به این هدف به طور کامل جامه عمل پوشیده خواهد شد در حالیکه تقسیم عراق نیز با توجه به آنچه کردها مطرح می کنند و نیز درخواست اهل تسنن برای رسیدن به منطقه ای خودمختار همانند کردها در غرب و مرکز عراق به تدریج به سوی تحقق پیش می رود تا خاورمیانه جدید که کاندولیزا رایس در جریان جنگ ۳۳ روزه خبر از آغاز تولد آن داده بود یک گام دیگر به سوی تحقق برداشته باشد. این ها برخی از نتیجه گیری های کارشناسان عراقی در رسانه های این کشور در رابطه با سرنوشت عراق بعد از سقوط موصل است. یکی از این تحلیلگران و فیک السامرائی است او که یک شخصیت امنیتی سابق و از سیاستمداران سرشناس اهل تسنن عراق محسوب می شود، در مقاله ای که روز ۲۹ اوت گذشته در چند رسانه عراقی منتشر شد تاکید کرد: همزمانی موضوع گیری های دولت آمریکا در حمایت از تقسیم عراق به سه منطقه با حملات گروه داعش و اشغال بخش هایی از عراق توسط این گروه تروریستی می تواند امری قابل تامل باشد. وی با انتقاد از مواضع جو بایدن معاون رئیس جمهور آمریکا که بعد از سقوط موصل به دست داعش رسماً از تقسیم عراق به سه منطقه، (سنی نشین، شیعه نشین و کرد نشین) حمایت کرد تاکید نمود که سخنان او در این برهه زمانی بیانگر بی تجربگی سیاسی اوست زیرا او اشتباهی را مرتکب می شود که قابل جبران نخواهد بود. (یزدان فام، ۱۳۹۲: ۳۱) همچنین پایگاه اینترنتی «انترسپیت»<sup>۱</sup> نیز به نقل ادوارد اسنودن<sup>۲</sup> کارمند سابق سازمان اطلاعات آمریکا تاکید کرد: آژانس امنیت ملی آمریکا به همراه سازمان اطلاعات خارجی انگلیس<sup>۳</sup> و موسسه اطلاعات و عملیات ویژه خارجی اسرائیل (موساد)<sup>۴</sup> زمینه شکل گیری داعش را فراهم کردند. این پایگاه اینترنتی به نقل از اسنودن نوشت: فعالیت این سه سازمان در این رابطه به معنای حضور بالفعل ایالات متحده، انگلیس و رژیم صهیونیستی در فرایند خلق این سازمان تروریستی و جذب فعالان افراطی از اقصی نقاط جهان به سوی آن است. بر اساس افشاگریهای اسنودن پروژه عملیات شکل گیری داعش که با نام رمز «لانه زنبور»<sup>۵</sup> بین این سه طرف کلید خورد با هدف حمایت از رژیم صهیونیستی انجام گرفت و مقرر شد ساختاری با شعارهای دینی بسیار افراطی در منطقه شکل گرفته و گسترش یابد. اسناد افشا شده اسنودن که در این پایگاه منتشر شده نشان می دهند کارشناسان این سه سازمان اطلاعاتی به این نتیجه رسیدند بهترین راهکار برای حمایت از اسرائیل، خلق دشمنی پشت مرزهای آن است که سلاح خود را برخلاف جهت و به سوی کشورهای مخالف بقای این رژیم نشانه بگیرد. نظر اسنودن را هیلاری کلینتون به شکل دیگری در کتاب خود «گزینه های

<sup>1</sup> intercept

<sup>2</sup> Edward Joseph "Ed" Snowden

<sup>3</sup> MI6

<sup>4</sup> Mossad

<sup>5</sup> Vespary

سخت<sup>۱</sup> مورد تایید قرار داده است در حالیکه برژنسکی<sup>۲</sup> مشاور امنیت ملی اسبق آمریکا هم سالها قبل از آن در کتاب خاطراتش به نحوه تشکیل گروه های افراطی سلفی پرداخته و از تلاش هایش در شکل گیری القاعده و فراهم کردن زمینه مسلح شدن، آموزش و تامین مالی آن جهت صف آرایی در برابر دشمن اول آن زمان آمریکا یعنی اتحاد جماهیر شوروی به تفصیل پرداخته بود. ظاهرا این سناریو در مورد داعش هم اینبار توسط دولتمردان فعلی آمریکا در حال تکرار است در حالیکه دشمن و هدف اول آنها امروز محور مقاومت و ساختارهای حامی آن به ویژه شیعیان می باشند. (Yasir & Tromby, 2014: 25) مایکل چاسودوفسکی<sup>۳</sup> استاد دانشگاه اتاوا کانادا که به عنوان کارشناس امور سیاسی با موسسه پژوهش های گلوبال ریسرچ<sup>۴</sup> هم همکاری می کند تاکید دارد آنچه که به عنوان فعالیت گروه های سلفی تکفیری از سوریه و عراق تا افغانستان و بقیه کشورهای خاورمیانه شاهد آن هستیم، در واقع خدمات استراتژیکی است که گروه های زیر مجموعه القاعده به دولت آمریکا تقدیم می کنند. این کارشناس غربی در پژوهشی در این زمینه با ارائه دلایل و مدارک بسیاری تاکید می کند: گروه های سلفی و به ویژه داعش در واقع بازو و مشت آهنین کاخ سفید برای تحقق اهداف سیاسی خود در منطقه است و به تعبیری واضحتر امروز داعش مرغ تخم طلائی آمریکا در منطقه خاور میانه محسوب می شود. برآستی اگر داعش نبود چه کسی می توانست وضعیت سوریه را به این شکل به سوی ویرانی هرچه بیشتر بکشاند و دولت عراق را هم مجبور کند بار دیگر قرارداد تسلیحاتی چند میلیارد دلاری خود با آمریکا را بعد از فقط چند سال مجددا تجدید کرده و همان مبلغ و شاید مبلغ بیشتری را برای جایگزینی تجهیزات و تسلیحاتی پرداخت کند که خود بعد از خرید آن امروز مجبور به بمباران آن در موصل و چند شهر دیگر عراق شده یا شاهد استفاده از آن توسط هم پیمانان آمریکا در سوریه باشد تا علیه دولت مرکزی و منتخب این کشور به کار گرفته شوند؟ روزنامه اماراتی الخلیج هم در شماره روز ۱۴ اوت خود با اشاره به رویکرد جدید آمریکا در مبارزه با گروه داعش آنها بعد از چند سال فعالیت ویرانگر در منطقه نوشت: گرچه برخی ها اعلام می کنند علت آغاز حملات آمریکا به داعش خروج آنها از خطوط قرمز است اما با نگاهی به عملکرد ارتش آمریکا علیه داعش در اطراف اربیل شاهد آن هستیم که دولت آمریکا چندان تمایلی به وارد کردن ضربات دردناک به این گروه از خود نشان نمی دهد بلکه اکثر این حملات برای رفع تکلیف صورت گرفته و شاید هم بتوان آنرا تلاشی کوچک و رنگ و رو رفته برای عذر خواهی از ایجاد داعشی باشد که امروز تمام منطقه را تهدید به فنا می کند. در پایان این سرمقاله هم تاکید شده است اگر ایالات متحده واقعا به دنبال ضربه زدن و از بین بردن داعش باشد به طور حتم اهرم ها و ابزار بسیار زیادی در اختیار دارد که می تواند با استفاده از آن شریان های حیات بخش این گروه وحشی را به طور کامل قطع کند. به گفته کارشناسان اقتصادی، داعش فقط با حمله به موصل و اشغال آن چند صد میلیون دلار برای شرکت های تسلیحاتی و بعد از آن شرکت های پیمانکار آمریکایی در آمدزایی کرده است (Bouillon, 2012: 285).

#### ۵- نتیجه گیری و پیشنهادها

چالش های امنیت ملی در پرتو دکترین مسئولیت حمایت و تکوین گروه های تکفیری در عراق موضوعی پیچیده و چند بعدی است که نیازمند بررسی عمیق تری از ابعاد مختلف آن می باشد. دکترین مسئولیت حمایت به عنوان یک اصل بین المللی، بر اساس این ایده شکل گرفته که جامعه جهانی باید در مواقعی که دولت ها قادر به حفاظت از شهروندان خود نیستند، مداخله کند. این دکترین به

<sup>1</sup> Hard choices

<sup>2</sup> Brzezinski

<sup>3</sup> Michael Chossudovsky

<sup>4</sup> Global Research

ویژه در زمینه‌های بحران انسانی و نقض حقوق بشر به کار می‌رود. با این حال، اجرای این دکترین در عمل با چالش‌هایی مواجه است که می‌تواند به تشدید ناامنی و بی‌ثباتی منجر شود. گروه‌های تکفیری مانند داعش به عنوان نتیجه‌ای از چندین عامل تاریخی، اجتماعی و سیاسی شکل گرفته‌اند. ظهور این گروه‌ها در عراق به ویژه پس از حمله آمریکا به این کشور در سال ۲۰۰۳ میلادی، به عنوان یک نقطه عطف مهم در تاریخ معاصر شناخته می‌شود. حمله آمریکا به عراق و سقوط رژیم صدام حسین، فضای مناسبی برای ظهور گروه‌های مسلح فراهم کرد. این شرایط باعث شد که گروه‌هایی نظیر القاعده و سپس داعش بتوانند فعالیت‌های خود را گسترش دهند. احساس تحقیر در میان برخی اقشار جامعه، به ویژه سنی‌ها، به عنوان عاملی کلیدی در جذب نیرو به سمت گروه‌های تکفیری عمل کرده است. این احساس منجر به بروز هیجان جمعی و فردی شده که به تقویت بنیادگرایی دینی کمک کرده است. بحران سوریه نیز به عنوان یک عامل تسریع‌کننده برای قدرت‌یابی داعش عمل کرد. با شروع جنگ داخلی سوریه، داعش توانست نیروهای بیشتری را جذب کرده و دامنه فعالیت‌های خود را گسترش دهد. افزایش تروریسم، بی‌ثباتی اجتماعی و چالش برای دولت‌ها از مهمترین چالش‌های امنیتی ملی می‌باشد. با اینحال چالش‌های امنیتی ملی در پرتو دکترین مسئولیت‌حمایت و ظهور گروه‌های تکفیری نشان‌دهنده نیاز به رویکردهای جامع‌تر و هماهنگ‌تر در سیاست‌گذاری‌های بین‌المللی است. برای مقابله مؤثر با این چالش‌ها، لازم است تا توجه بیشتری به ریشه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی پدیده‌های تروریستی معطوف گردد.

## منابع

## ❖ قرآن

- ۱) احمدی، کوروش (۱۳۸۴)، «عراق پس از سقوط بغداد، روند تدوین قانون اساسی عراق: تحلیل‌ها و دیدگاه‌ها»، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
- ۲) اسماعیل زاده، سیروس؛ حسن زاده دلگشا، سعید؛ پور جمال، یعقوب (۱۳۹۸)، «نقش کج فهمی دینی در شکل‌گیری گروه‌های تکفیری و عملیات‌های انتحاری»، سیاست متعالیه، شماره ۲۷
- ۳) پور سعید، فرزاد (۱۳۹۰)، «چشم‌انداز عراق آینده، برآورد استراتژیک عراق آینده»، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- ۴) حبیبی، پریسا؛ کاظمی، سید علی اصغر؛ قوام، سید عبدالعلی؛ ذاکریان امیری، سید مهدی (۱۴۰۲)، «چشم‌انداز مسئولیت‌حمایت در کنیا و بازتاب آن بر جامعه بین‌المللی»، مطالعات فقه اقتصادی، دوره ۵، شماره ۲
- ۵) حق پناه، جعفر (۱۳۸۷)، «مسئله کرکوک و چالش قومی مذهبی در عراق»، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۶، شماره ۲۰
- ۶) حیدری، الهام (۱۳۹۳)، «کالبد شکافی جریان داعش؛ بررسی زمینه‌های ذهنی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی»، فصلنامه علمی تخصصی حبل‌المتین، دوره ۳، شماره ۹
- ۷) خسروی، غلامرضا (۱۳۹۰)، «چشم‌انداز عراق آینده: بررسی روندهای داخلی و خارجی»، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- ۸) زرین نرگس، یحیی (۱۳۹۴)، «بررسی چرایی ناکامی دولت‌سازی در عراق جدید و آرایه راهکارها»، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشکده بهشتی، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی

- ۹) ستوده، محمد؛ علیزاده موسوی، سید مهدی (۱۳۹۳)، «بررسی تأثیرات سلفی‌گری تکفیری بر بیداری اسلامی»، علوم سیاسی، شماره ۶۵
- ۱۰) سلیمی، آرمان؛ زرین نرگس، یحیی (۱۳۹۳)، «بحران داعش و سناریوهای پیش روی حکومت اقلیم کردستان عراق»، دو هفته نامه دیار کهن، شماره ۷۲
- ۱۱) شاملو، سوده؛ محمدی، کریم؛ نژندی منش، هیبت الله (۱۴۰۳)، «جایگاه مفهوم دکتربین «مسئولیت حمایت» در اصول و مبانی نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر حقوق اداری»، پژوهش‌های نوین حقوق اداری، دوره ۱۸
- ۱۲) طالبی آرانی، روح‌الله؛ زرین نرگس، یحیی (۱۳۹۵)، «بین‌المللی شدن دولت در خاورمیانه: مطالعه موردی عراق از ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۶»، کنفرانس امنیتی تهران: نظم امنیتی منطقه ای در غرب آسیا، تهران
- ۱۳) عبدالمهی، محسن؛ حسینی، سید رضا (۱۴۰۲)، «تحقق حق تعیین سرنوشت در چهارچوب مسئولیت حمایت»، پژوهش‌های حقوق عمومی، شماره ۸۰
- ۱۴) علیزاده موسوی، سید مهدی (۱۳۹۳)، «ارزیابی وضعیت سلفی‌گرایی بر اساس مکعب بحران»، علوم سیاسی، شماره ۶۸
- ۱۵) علیزاده موسوی، سید مهدی (۱۳۹۴)، «جریان‌شناسی سلفی‌گری مطالعه تنوع حاکم بر جریان‌های سلفی و زمینه‌های شکل‌دهنده به آن»، مطالعات روابط فرهنگی بین‌الملل، دوره ۱، شماره ۱
- ۱۶) فوکویاما، فرانسیس (۱۳۹۶)، «نظم و زوال سیاسی»، ترجمه رحمان قهرمانپور، تهران: انتشارات روزنه
- ۱۷) کسرای، محمد سالار، داوری مقدم، سعیده (۱۳۹۴)، «برآمدن داعش در خاورمیانه: تحلیل جامعه‌شناختانه»، فصلنامه روابط خارجی، دوره ۷، شماره ۱
- ۱۸) محمدی، کریم؛ شاملو، سوده؛ نژندی منش، هیبت الله (۱۴۰۳)، «مسئولیت اخلاقی جامعه بین‌المللی و تکوین دکتربین مسئولیت حمایت در بستر آن»، اخلاق در علوم و فناوری، دوره ۱۹، شماره ۱
- ۱۹) نژندی منش، شاملو، سوده؛ محمدی، کریم (۱۴۰۲)، «نقش «پیشگیری» در «دکتربین مسئولیت حمایت» با تأکید بر مسئولیت اولیه دولت‌ها»، دستاوردهای نوین در حقوق عمومی، دوره ۲، شماره ۸
- ۲۰) نصری، قدیر؛ سلیمی، آرمان؛ ولد بیگی، آرام (۱۳۹۲)، «جایگاه کرکوک در معادلات راهبردی عراق»، فصلنامه آفاق امنیت، دوره ۵، شماره ۱۹
- ۲۱) یزدان فام، محمود (۱۳۹۲)، «دولت‌های شکننده و امنیت انسانی»، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم
- 22) Abbas, Yasir and Tromby, Don (2014), "Inside the Collapse of the Iraqi Army's". 2nd Division, War on the Rocks 1
- 23) Bouillon, M. E. (2012), "Iraq's state-building enterprise: State fragility, state failure and a new social contract", International Journal of Contemporary Iraqi Studies, 6(3), 281-297.